

مطالعات تاریخی جنگ؛ نشریه علمی؛ مقاله علمی - پژوهشی
دوره چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۳)، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۰۱-۱۲۲

تحلیلی بر رویکرد مذهبی تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیوخ صفوی؛ روایتی مقدس از جنگ‌هایی مقدس

محمود مهمان نواز؛* علی اعتصامی**

چکیده

طریقت صفوی در زمان شیخ جنید (مرگ ۸۶۴ ق) و شیخ حیدر (مرگ ۸۹۳ ق) با عبور از مرحله سجادہ‌نشینی و ارشاد از راهبرد نظامی برای نیل به اهداف سیاسی خویش استفاده نمودند. آن‌ها توانستند قدرت و نفوذ در امور دنیوی را به قدرت معنوی رهبران طریقت صفوی ضمیمه ساخته و تشکیلات منسجم نظامی‌ای را به وجود آورده که یاری‌گر شاه‌اسماعیل اول (حک ۹۳۰-۹۰۷ ق) در تشکیل سلسله صفویان بود. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر شیوه گردآوری اطلاعات از منابع تاریخی، درصدد پاسخ به این سؤال می‌باشد که: جنگ‌های دوره شیخ جنید و حیدر در تاریخ‌نگاری دوره صفوی چگونه بازتاب یافته‌اند؟ به نظر می‌رسد که تاریخ‌نگاری صفوی سعی نموده با روایتی تقدیس-گرایانه، جنبه‌ای مقدس به این جنگ‌ها ببخشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شکست و پیروزی در جنگ‌های این دوره بار حماسی به خود گرفته اما این حماسه‌سرایی‌ها رنگ و بوی اعتقادی و مذهبی دارند و نه ملی. به‌واقع تاریخ‌نگاری صفوی روایتی مقدس از جنگ‌هایی مقدس ارائه نموده که هر رخدادی (چه پیروزی و چه شکست) در بافتاری از تقدس‌گرایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در همین راستا مورخان صفوی از تعبیر قرآنی و حدیثی و همچنین ایجاد شباهت میان رهبران طریقت

* نویسنده مسئول: دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه یاسوج.

mahmoud.mehmannavaz@yahoo.com

** کارشناس ارشد تاریخ اسلام. alietsami@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۷

صفوی و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) برای بیان و روایت این جنگ‌ها استفاده نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری صفوی، روایت مذهبی، شیخ جنید، شیخ حیدر، جنگ مقدس.

مقدمه

تشکیل حکومت صفوی در ایران حاصل بیش از دو قرن تلاش رهبران طریقت صفوی به شیوه‌های مختلف بوده است. از زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی (مرگ ۷۳۵ ق) تا پایان رهبری شیخ ابراهیم (مرگ ۸۵۱ ق) بر طریقت صفوی، رهبران این طریقت تقریباً از شیوه‌ای واحد یعنی ارشاد مریدان و پرداختن به امور معنوی، تبعیت می‌کردند. با روی کار آمدن شیخ جنید رویکرد رهبران این جریان تغییر نموده و با توسل به حرکت نظامی، زمینه‌های شکل‌گیری حکومت صفویان را در آینده‌ای نزدیک فراهم نمودند. شیوخ صفوی در این برهه، راهبرد نظامی را شیوه‌ای نوین برای پیشبرد اهداف طریقت تشخیص داده و با استفاده از ایدئولوژی صوفیانه و تشیع غالبانه در پی رسیدن به اهداف دنیوی خویش برآمدند. به سبب آنکه اقدامات شیخ جنید و شیخ حیدر، نخستین تلاش‌های نظامی خاندان صفوی برای تصاحب قدرت بود، جنگ‌های آن‌ها به صورت جدی مورد توجه تاریخ‌نگاری آن دوره قرار گرفته است. روایت تاریخ‌نگاری صفوی از رهبران طریقت (پیش از شکل‌گیری حکومت صفویان) آمیخته با تعبیرات اغراق‌آمیز بوده که در آن تکیه بر جنبه‌های تقدس‌آمیز این رهبران بوده است. مورخان صفوی سعی کرده‌اند رهبران طریقت را افرادی فراعادی جلوه داده و ارتباط آن‌ها با دنیای ماورایی را امری طبیعی جلوه دهند. چنین روایتی از سوی تاریخ‌نگاری صفوی در زمان روایت جنگ‌های شیخ حیدر و شیخ جنید به اوج خود رسیده و تکیه اصلی روایت تاریخ‌نگاری آن دوره بر جنبه تقدس‌آمیز این رهبران می‌باشد.

هدف از پژوهش حاضر بررسی و تبیین رویکرد مذهبی تاریخ‌نگاری دوره صفوی از جنگ‌های شیوخ صفوی است. در این پژوهش مقصود از شیوخ صفوی صرفاً شیخ جنید و شیخ حیدر می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است. ابزار اصلی پژوهش استناد به منابع اصلی دوره صفویه بوده و در نهایت بر پایه‌ی یافته‌های حاصل از آن، استنتاج، تبیین و تحلیل به عمل آمده

است. همچنین این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشد که چرا مورخان صفوی در پی ارائه روایتی مذهبی از جنگ‌های شیوخ صفوی بوده‌اند؟ و روایت مذهبی تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های جنید و حیدر دارای چه مشخصه‌هایی می‌باشد؟ همچنین تاریخ‌نگاری صفوی در روایت جنگ‌های شیوخ جنید و حیدر بر کدام جنبه‌های مذهبی تأکید نموده است؟ فرض پژوهش بر این است که تاریخ‌نگاری صفوی بر آن بوده که با ارائه روایتی تقدیس‌گرایانه، جنگ‌های شیوخ جنید و شیوخ حیدر را جنگ‌هایی مقدس جلوه دهد.

تاکنون پژوهشی مستقل در مورد روایت تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیوخ جنید و شیوخ حیدر به انجام نرسیده است. جهانبخش ثواقب در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل مناسبات سیاسی - نظامی شیوخ صفوی با شروانشاهان (۹۰۰-۸۶۴ هـ ق / ۱۴۹۵-۱۴۶۰ م)» به موضوع درگیری‌های شیوخ جنید و حیدر با شروانشاهان توجه نموده و سعی کرده به شرح مفصلی از این جنگ‌ها بپردازد. ثواقب در بررسی این موضوع سعی داشته از منابع مختلف یاری بگیرد و اصولاً این پژوهش به موضوع رویکرد تاریخ‌نگاری صفویان در مورد جنگ‌های شیوخ صفوی نپرداخته و ورود نداشته است.

تعریف جنگ و جنگ مقدس

جامعه‌شناسان، روانشناسان و... هرکدام سعی کرده‌اند تعریفی از واژه جنگ ارائه نمایند از همین رو تعریف واحدی در این زمینه وجود ندارد. برخی جنگ را عملی خشونت‌بار با هدف وادار کردن رقیب به اجرای خواسته‌های خود (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۰) و برخی نیز جنگ را خشونت‌ناپذیر سازمان‌یافته و به‌کارگیری خشونت در حد اعلا، تعریف نموده‌اند (شیرودی، ۱۳۸۴: ۳). با توجه به تعاریف گوناگونی که از جنگ وجود دارد، ویژگی‌های جنگ را چنین می‌توان برشمرد: حداقل دو گروه درگیر وجود داشته باشد؛ حداقل یکی از آنان از قوای قهریه استفاده کند؛ برخورد هرچند ساده، برای مدتی جریان داشته باشد؛ هر دو طرف به اندازه معمول سازمان داده شده باشند (مسائلی و ازفعی، ۱۳۷۱: ۶). آنچه مسلم است، جنگ از ابتدای خلقت بشر در میان انسان‌ها وجود داشته و با اهداف مختلفی به وقوع پیوسته است. جنگ ممکن است نبرد میان دو حکومت و یا چند حکومت با یکدیگر و یا آنکه از نوع جنگ‌های داخلی باشد. یک نوع از جنگ‌ها که در طول تاریخ متداول بوده، نبرد مدعیان برای تصاحب قدرت بوده است. جنگ‌های زمان

شیوخ صفوی در زمره چنین جنگ‌هایی قرار دارند. مدعیان کسب قدرت اگر عملکردی موفقیت‌آمیز داشته و موفق به تشکیل حکومت شوند، روایتی موافق و همراه با مقبولیت از جنگ‌های خود ارائه خواهند کرد. چنین روایتی از جنگ‌های کسب قدرت، در حکومت صفویه به دلیل ماهیت مذهبی این حکومت روایتی مذهبی و مقدس بوده که سعی شده جنگ‌هایی که در راه کسب قدرت به وقوع پیوسته را جنگ‌هایی مقدس بنامند.

جهاد در اسلام، جنگی مقدس است که در راه اسلام و خداوند صورت می‌گیرد. به‌طور کلی از نظر اسلام و مسلمانان جنگ با کفار و مشرکین، جنگ با منافقین، جنگ با پیمان‌شکنان، جنگ با گروه‌های یاغی و جنگ با ستمگران جنگ مقدس محسوب می‌شود. آنچه توسط تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیخ جنید و شیخ حیدر ارائه شده، منطبق بر ویژگی‌های فوق بوده و تاریخ‌نگاری آن دوره سعی کرده جنگ‌های شیوخ صفوی را جهاد در راه خداوند جلوه دهد؛ بنابراین از نظر مورخان آن دوره این جنگ‌ها مقدس بوده و سعی داشته‌اند، دشمنان شیوخ را با یکی یا چند مورد از خصلت‌های ذکر شده، انطباق داده و جنبه کاملاً دینی و مقدس به جنگ‌ها ببخشند. آنچه در این پژوهش از آن به جنگ مقدس اطلاق شده، روایتی است که تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیوخ ارائه نموده است.

روایت مذهبی از تغییر کارکرد رهبران طریقت صفوی

رهبران اولیه طریقت صفوی بیش از یک قرن و نیم صرفاً به اموری که جنبه دنیوی آن کمتر و بیشتر مربوط به امور معنوی و ارشاد مریدان بود، می‌پرداختند. از زمان شیخ جنید تمایل آشکاری در میان رهبران این طریقت در جهت گرایش به امور دنیوی و عبور از مرحله سجاده‌نشینی به مرحله نظامی به وجود آمده و شیخ جنید «دیگر به قدرت معنوی صرف راضی نبود» (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۵). مورخان صفوی از چنین تغییر رویکردی به افزودن «سلطنت صوری» بر سلطنت معنوی تعبیر نموده‌اند (قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۳۸؛ خورشاه الحسینی، ۱۳۷۹: ۱؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۳۲/۱؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۰۹؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۸). به‌طور کلی چنین گرایش و تغییر رویکردی توسط رهبران طریقت صفوی با روایتی موافق از سوی مورخان آن دوره بیان شده و آن‌ها سعی کرده‌اند با تأکید بر جنبه‌های مذهبی چنین تغییر ماهیتی به نوعی بدان مشروعیت بخشند. از نظر آنان چنین

تحلیلی بر رویکرد مذهبی تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های... | ۱۰۵

تغییری صرفاً در جهت تقویت دین پیامبر (ص) بوده است (خورشاه‌الحسینی، ۱۳۷۹: ۱؛ قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۳۸).

نخستین تلاش‌های شیوخ صفوی در راستای حرکت نظامی، به زمان شیخ جنید برمی‌گردد. شیخ جنید تحت فشار جهان‌شاه قراقویونلو (حک ۸۷۲-۸۴۱ ق) از اردبیل خارج شد که در ادامه سبب حضور وی در دربار اوزون حسن آق‌قویونلو (حک ۸۸۲-۸۵۷ ق)، گردید. این رخداد سرآغازی برای ورود شیوخ صفوی به مرحله نظامی بود. امینی هروی با استناد به آیه ۱۲۵ سوره آل‌عمران^۱ ملاقات جنید و اوزون حسن را امری تأیید شده از سوی خداوند تلقی می‌کند (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۸). همچنین در تاریخ ایلچی پذیرش جنید توسط اوزون حسن با به کار بردن بخشی از آیه ۲۵۶ سوره بقره^۲ به‌عنوان اقدامی در جهت استوار شدن پایه‌های حکومت اوزون حسن تعبیر شده (خورشاه‌الحسینی، ۱۳۷۹: ۲) و جنید مصداق «عروه الوثقی» معرفی می‌شود. مورخان صفوی با استفاده از این آیات به استقبال حرکت و اقدامات نظامی شیوخ صفوی رفته‌اند. در زمان شیخ حیدر نیز رویکرد نظامی رهبر پیشین طریقت ادامه و شکل جدی‌تری نیز به خود گرفت. شیخ حیدر ضمن به کارگیری تجربه اندوخته شده طریقت صفوی در زمان رهبران پیشین به‌ویژه در دوره شیخ جنید، به اقدامات نوینی جهت توفیق در امور نظامی دست زد. در همین راستا وی جهت انسجام بخشیدن بیشتر و بهتر به نیروهای تحت امر خویش دستور داد تا آن‌ها کلاه سرخ دوازده ترک را بر سر بگذارند. این کلاه علامت مخصوصی برای تشخیص پیروان خاندان صفوی در آن زمان گردید. چگونگی و چرایی اتخاذ این تصمیم توسط شیخ حیدر از سوی منابع صفوی با رویکردی مذهبی بیان شده است. مورخین صفوی تصمیم به چنین عملی از سوی شیخ حیدر را ناشی از امری که در روایا به وی القاء شده تلقی کرده‌اند. در این خصوص در روایت ترکمان - که کم‌وبیش توسط دیگران نیز تکرار و تصدیق شده - چنین آمده است:

«از رؤیای صادقه شبی در خواب دید که او را منہیان عالم غیب مأمور گردانیدند که تاج دوازده ترک که علامت اثنی عشریت است از سقرلاط قرمزی ترتیب داده تارک اتباع خود

۱. «يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان‌دار یاری خواهد کرد.

۲. «فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لِأَنْفِصَامِ لَهَا» به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است.

را به آن افسر بیاراید. سلطان از مشاهده این خواب کلاه شادمانی بر تارک سرافکننده طاقیه ترکمانی را که متعارف آن زمان بود بتاج دهاج^۱ دوازده ترک حیدری تبدیل نموده اتباع کرامش اقتدا به آن حضرت کرده تمامی منسوبان این خاندان به این افسر گرامی از سایر الناس امتیاز یافته بدین جهت^۲ آن طبقه جلی الشأن به قزلباش اشتهار یافتند» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۹/۱).

از نظر مؤلف ناشناس عالم‌آرای شاه اسماعیل کسی که چنین دستوری به حیدر داده امام علی (ع) بوده (ناشناس، ۱۳۸۴: ۲۶) اما منابع دیگر از شخص خاصی اسم نبرده‌اند و برخی از عناوینی چون «شخصی نورانی» (مستوفی، ۱۳۷۵: ۴۵) استفاده کرده‌اند. به هر روی تاریخ‌نگاری صفوی مملو از مواردی می‌باشد که تصمیمات خاندان صفوی در موارد مختلف را به امور غیرعادی چون رویای صادقه منتسب نموده‌اند و در مورد ایجاد کلاه قزلباشی نیز همین شیوه را اتخاذ نموده‌اند که به نظر می‌رسد این امر به نوعی با هدف ایجاد مشروعیت در اقدامات نظامی شیخ حیدر و تغییر قطعی ماهیت رهبران طریقت صفوی، می‌باشد. آن‌ها در پی القاء این نکته می‌باشند که امور انجام شده توسط رهبران طریقت صفوی نه به اراده شخصی و از روی هوا و هوس فردی بلکه امری کاملاً ماورایی و صرفاً با تاییدات الهی بوده‌اند. نکته جالب آنکه خواندمیر از نخستین مورخان که به تهیه کلاه دوازده ترک توسط شیخ حیدر پرداخته، هیچ اشاره‌ای به نقش رویای حیدر در انجام چنین عملی نداشته است (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۲۴۷-۲۴۶). دیگر منابع متقدم صفوی نیز به این امر اشاره‌ای ننموده و به نظر می‌رسد چنین داستان‌سرایی مربوط به مورخان نیمه دوم حکومت صفویان می‌باشد.

رویکرد آیه‌نگاری در روایت جنگ‌های شیوخ صفوی

نظر به رویکرد مذهبی حکومت صفویان و نفوذ این دیدگاه در همه ابعاد حاکمیتی آن دوره، تاریخ‌نگاری در این سلسله نیز با رویکردی مذهبی نگاشته شده است. یکی از شیوه‌های بازتاب اندیشه دینی و مذهبی در تاریخ‌نگاری صفوی به کاربردن آیات قرآن و تعبیرات قرآنی در متون آن دوره است. به نظر می‌رسد استفاده از این شیوه با دو هدف مشروعیت بخشیدن به تغییر ماهیت شیوخ صفوی از قدرت دینی به قدرت دنیوی و روی

۱. وهاج

۲. جهت

آوردن آن‌ها به امور نظامی و دیگری در جهت اثبات حقانیت عملکرد خاندان صفوی صورت گرفته باشد. روایت مورخان صفوی نسبت به عملکرد نظامی شیوخ صفوی متأثر از دیدگاه‌های مذهبی بوده و در این راستا استفاده از آیات و تعبیر قرآنی در اولویت قرار داشته است. استفاده از آیات قرآنی در روایت جنگ‌های شیخ جنید و حیدر به شیوه‌های مختلف بوده که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت.

الف) استفاده از آیات جهادی

جنگ‌های زمان شیخ جنید و شیخ حیدر نخستین اقدامات نظامی خاندان صفوی می‌باشند که منجر به کشته شدن این دو گردید. عمده‌ترین این جنگ‌ها بر علیه شروانشاه بوده و با وجود آنکه «دشمن» غیرمسلمان نبوده اما مورخان صفوی از آن‌ها به جنگ‌های جهادی تعبیر و به کرات از آیات جهادی استفاده نموده‌اند. گرچه هر دو شیخ نظامی صفویان قصد حمله به سرزمین‌های مسیحی‌نشین را داشته‌اند اما به دلیل عبور از سرزمین شروان و احساس ترس شروانشاه و در واقع تضاد منافع آن‌ها، درگیری میان طرفین رخ می‌دهد. منابع این دوره اشاره چندانی به جنگ شیوخ صفوی با غیرمسلمانان ندارند و تقریباً به صورت گذرا در مورد قصد جنید و حتی حیدر برای حمله به منطقه داغستان و چرکسها جهت انجام جهاد اشاراتی داشته‌اند (نک؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۳۱/۱؛ جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۹۶-۹۴؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۹/۱؛ روملو، ۱۳۸۴: ۸۶۰/۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۶-۲۵؛ ملاکمال، ۱۳۳۴: ۲۸). تاریخ ایلچی اشاره‌ای مختصر به حمله شیخ جنید به سرزمین چرکس‌ها دارد و مؤلف این اقدام جنید را ناشی از تبعیت وی از آیه جهادی «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۱ می‌داند (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۲). در خلاصه التواریخ نیز به این حمله اشاره‌ای مختصر شده و آن را «به انقیاد امر فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ»^۲ امری در راستای اطاعت از خداوند و عبادتی واجب می‌داند (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۳۷/۱).

منابع صفوی کمتر به استفاده از آیات جهادی در مورد جنگ شیخ جنید و سلطان خلیل‌الله (حک ۸۶۷-۸۲۱ ق) توجه داشته‌اند و صرفاً در فتوحات شاهی با استفاده از چند آیه^۳ که جنبه جهادی هم ندارند به موضوع آماده‌سازی جنید برای جنگ با شروانشاه

۱. آیه ۷۸ سوره حج «و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید».

۲. آیه ۵ سوره توبه «مشرکان را هر کجا یافتید بکشید».

۳. آیه ۳۰ سوره ق و آیه ۵۴ سوره یوسف.

اشاره شده است (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۴) اما منابع آن دوره به جنگ‌های شیخ حیدر توجه بیشتری نموده و در همین راستا میزان تعبیرات جهادی برای جنگ‌های وی نیز افزایش یافته است. به نظر می‌رسد مورخان صفوی در حال آماده‌سازی ذهنی مخاطبان برای پذیرش یک حکومت مشروع مذهبی که رهبران آن بر اساس حکم الهی، جهاد نموده و در این راه نیز به شهادت رسیده‌اند، می‌باشند. به همین جهت هر چه به زمان موعود (تشکیل حکومت صفوی) نزدیک می‌شویم میزان استفاده از تعبیرات مذهبی و ایجاد فضای مذهبی از سوی مورخان آن دوره نیز بیشتر می‌شود. در همین راستا جنگ میان شیخ حیدر و فرخ یسار (حک ۹۰۶-۸۶۷ ق) که به نظر می‌رسد انتقام‌جویی شخصی از سوی طرفین و کینه قدیمی در آن نقش پررنگی داشته،^۱ از سوی مورخان صفوی به مانند یک جنگ جهادی علیه کفار روایت شده است. به هرروی بنابر روایت مورخان، صفوی شیخ حیدر به اقتضای آیه ۵ سوره توبه قصد جهاد علیه کفار آن‌سوی دریند را داشت که شروانشاه به دلیل ترس از آسیب رسیدن به سرزمینش به مقابله با وی شتافت (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/ ۴۳۳-۴۳۲؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۵۱؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۴؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۰۰). در حبیب‌السیر و خلاصه التواریخ آمده است باوجود تعداد زیاد نیروهای متخاصم، حیدر با تمسک به آیه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا»^۲ پیروان خود را به جنگ تحریض می‌نمود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/ ۴۳۳؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۹)؛ در واقع مورخان صفوی با بیان این آیه، در پی شبیه‌سازی نبرد حیدر و شروانشاه با نبرد طالوت و جالوت و یا به عبارتی نبرد حق و باطل بوده‌اند. همچنین با استناد به آیه ۲۴۶ سوره بقره^۳ در حبیب‌السیر و فتوحات شاهی (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/ ۴۳۳؛ امینی-هروی، ۱۳۸۳: ۵۴) این نبرد، جنگی جهادی که صرفاً در راه خدا بوده جلوه داده شده است.

ب) تعبیرات قرآنی در وصف کشته‌شدگان جنگ‌ها

^۱. در این زمینه برخی مورخان نیز با به کار بردن حدیث «الحب یتوارث و البغض یتوارث» بدان اشاره نموده‌اند اما این بغض را صرفاً متوجه فرخ‌یسار دانسته‌اند (نک؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/ ۴۳۲؛ امینی-هروی، ۱۳۸۳: ۵۱). درحالی‌که این بغض و حس انتقام‌جویی به صورت طبیعی می‌بایست در حیدر بیشتر بوده باشد.

^۲. آیه ۲۵۰ سوره بقره.

^۳. «وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» چرا در راه خدا نجنگیم.

مهم‌ترین حاصل جنگ‌های اولیه طریقت صفوی، کشته شدن رهبران این جریان بود. منابع صفوی برای کشته شدن شیخ جنید و حیدر از لفظ مذهبی شهید استفاده می‌کنند که البته این امر در فضای مذهبی حاکم بر جامعه و تاریخ‌نگاری آن دوره امری کاملاً طبیعی است. تاریخ‌نگاری صفوی کشته شدن رهبران اولیه صفویان را به اشکال مختلف روایت نموده و این امر از چند جنبه‌ی مذهبی قابل رصد می‌باشد. یکی از وجوه روایت تاریخ‌نگاری آن دوره از مرگ شیخ جنید و حیدر به کار بردن آیات و تعبیرات قرآنی برای مرگ آن‌ها است. مرگ جنید در لب‌التواریخ با استفاده از آیه ۱۵۴ سوره بقره^۱ مرگی جاودانه و در راه خداوند تعبیر شده (قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۳۸) و قزوینی اصفهانی نیز احتمالاً به تبعیت از حسینی قزوینی ضمن به کار بردن لقب سلطان غازی برای جنید از همین آیه جهت بیان قتل وی استفاده می‌کند (۱۳۷۲: ۵۱) و یادآور می‌شود که به گفته قرآن هر چیزی که بر روی زمین می‌باشد فانی است^۲ (همان: ۵۲). به نظر می‌رسد استفاده از این دو آیه با توجه به مضامین و معانی آن‌ها علاوه بر بخشیدن جنبه معنوی به قتل جنید بیشتر در جهت تسلی دادن به وقوع این فاجعه بوده باشد.

مورخان صفوی نسبت به قتل حیدر نیز رویکردی آیه‌نگارانه داشته‌اند. برخی مورخان صفوی در پی آن هستند تا با استفاده از آیاتی که معنی و مضمون تقدیرگرایانه دارند این حادثه را امری مقدر شده از سوی خداوند جلوه دهند. در همین راستا حسینی قزوینی با آوردن آیه ۳۴ سوره اعراف^۳ نگاهی بر حسب تقدیر به این واقعه داشته است (قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۳۹). امینی هروی نیز سعی نموده با استفاده از آیه ۶۱ سوره نحل^۴ این حادثه را امری از پیش تعیین شده و ازلی جلوه دهد (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۵۷). حسینی قمی نیز با ذکر آیه ۴۶ سوره حجر «ادْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ اٰمِنِيْنَ»^۵ قتل حیدر را مقدمه ورود او به بهشت می‌داند (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۰).

۱. «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اَمْوَاتٌ بَلْ اَحْيَاءٌ وَّلٰكِنْ لَا تَشْعُرُوْنَ» و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نخوانید، بلکه زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌دانید.

۲. «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» آیه ۲۶ سوره الرحمن.

۳. «وَلِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ فَاِذَا جَاءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَاخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُوْنَ» و برای هر امتی اجلی است؛ پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.

۴. «فَاِذَا جَاءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَاخِرُوْنَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُوْنَ» و چون اجلشان فرا رسد، ساعتی آن را پس و پیش نمی‌توانند افکنند.

۵. «با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید».

در فتوحات شاهی در مورد یاران شیوخ صفوی که در جنگ‌ها کشته شده‌اند از آیه ۵۵ سوره قمر استفاده شده «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ: در جایگاهی پسندیده نزد فرمانروایی توانا» آسودند (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۴۳). به نظر می‌رسد روایت قرآنی از قتل جنید و حیدر در تاریخ‌نگاری صفوی با هدف تأثیرگذاری بر مخاطب بوده و گزینش برخی واژه‌ها و کلمات با بار مذهبی به دلیل اثرات احتمالی آن است. هدف روایت آیه نگارانه‌ی تاریخ‌نگاری صفوی از قتل جنید و حیدر در بسیاری از موارد توجه به لایه‌های پنهان معانی می‌باشد. ظاهراً در فضای مذهبی جامعه صفوی، تاریخ‌نگاری آن دوره چاره‌ای جز ارائه تحلیل‌های مذهبی برای رهبران آن جامعه ندارد.

ج) تعبیرات قرآنی در وصف دشمنان شیوخ صفوی

شیخ جنید و حیدر در طول دوره مبارزاتی خویش با سه دشمن عمده مواجه بودند: جهانشاه قراقویونلو، شروانشاهان (خلیل‌الله و فرخ یسار) و سلطان یعقوب آق قویونلو (حک ۸۹۶-۸۸۳ ق). قتل شیوخ صفوی نتیجه اقدامات و دشمنی این سه گروه بود؛ بنابراین با استناد به چنین عملکردی از سوی دشمنان، روایت تاریخ‌نگاری صفوی در مورد آن‌ها با نوعی تنفر و توصیفات مغرضانه همراه است. ضدیت تاریخ‌نگاری صفوی با مخالفان شیوخ در دو قالب استفاده مستقیم و غیرمستقیم از آیات و تعبیرات قرآنی قابل شناسایی است؛ لیکن در این مجال صرفاً به قالب اول پرداخته خواهد شد.

استفاده از آیات قرآنی بر علیه دشمنان شیوخ صفوی در تاریخ‌نگاری آن دوره با مهارت خاصی انجام گرفته است. امینی هروی بیشتر از سایر منابع در به کار بردن آیات و تعبیرات قرآنی برای دشمنان جنید و حیدر اهتمام داشته است. وی از دشمنان حیدر به «فرقه نکال» تعبیر کرده (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۵۲) که اشاره‌ای مستقیم به آیه ۲۵ سوره نازعات^۱ داد که در آن خداوند در مورد فرعون می‌فرماید: «و خدا او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار کرد». در اینجا ظاهراً هدف هروی ایجاد یک نوع تشبیه و تطبیق میان دشمنان صفوی و فرعونیان است. وی در ادامه ضمن اشاره به سیادت خاندان صفوی و خویشاوندی آن‌ها با پیامبر (ص) آیه ۲۳ سوره شوری را ذکر می‌کند: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أُجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۲ و شرح می‌دهد که شروانشاه و یعقوب آق قویونلو از این دستور صریح خداوند چشم پوشیده‌اند (همان: ۵۳) و حمله آن‌ها را به شیخ حیدر تعرض

۱. «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى»

۲. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.»

به خاندان و خویشاوندان پیامبر(ص) تفسیر می‌کند. امینی هر وی با نگاهی کاملاً مذهبی به مسئله قتل شیخ حیدر سعی نموده با استفاده از آیات ۱۸ و ۵۳ سوره یوسف^۱ ضمن تطبیق مخالفان وی با دشمنان خداوند، عمل آن‌ها را امری شنیع که از روی هوای نفس رخ داده، تفسیر نماید (همان: ۵۵-۵۴).

حسن بیگ روملو با استفاده از آیات قرآنی دشمنان جنید را شایسته حضور در جهنم می‌داند. وی از آیه ۳۹ سوره نازعات^۲ در وصف حال شروانشاه که موجب قتل جنید شده بود، استفاده نموده است (روملو، ۱۳۸۴: ۶۰۴/۲). جناب‌دی در مورد دشمنان حیدر که توسط او به قتل رسیده‌اند می‌نویسد: «بسیاری از تشنه‌لبان به وادی بطلان را به آب تیغ آتشبار از سرچشمه جهنم سیراب ساخته در سایه شجره زقوم نشانیده» (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۱۰۰). «شجره زقوم» درختی جهنمی مخصوص اهل جهنم که در قرآن کریم چندین بار از آن یاد شده است (برای نمونه نک: صافات آیه ۶۲: دخان آیه ۴۳: واقعه آیه ۵۲). استفاده از این تعبیر برای دشمنان و کشته‌شدگان به دست حیدر می‌تواند نشانه‌ای از دیدگاه و تصور کلی تاریخ‌نگاری آن دوره نسبت به مخالفان شیوخ صفوی باشد. او در ادامه در مورد یعقوب آق قویونلو می‌نویسد «دیده بصیرتش به صفت و اَبِيضَّتْ عَيْنَاهُ موصوف بود راه صواب بر وی مشتبه گشته» (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۱۰۱). «اَبِيضَّتْ عَيْنَاهُ» به معنای چشم سفید قسمتی از آیه ۸۴ سوره یوسف می‌باشد که در مورد کور شدن چشم یعقوب به کاررفته است؛ بنابراین منظور از چشم سفید کور بودن می‌باشد، همچنین می‌تواند کنایه از بی-شرمی و بی‌حیایی نیز باشد. به نظر می‌رسد مراد جناب‌دی همان کور بودن سلطان یعقوب بوده که سبب شده راه درست را گم کند و دست به عملی ناصواب یعنی تقابل با شیخ حیدر بزند. آیه‌نگاری در مورد دشمنان شیوخ صفوی بیشتر مختص به دوران حیدر است و این امر احتمالاً بی‌ارتباط با تقابلات آتی صفویان و آق قویونلوها نیست. دشمن اصلی شیخ جنید، شروانشاه و جهان‌شاه قراقویونلو بودند که در زمان حیدر دیگر اثری از قراقویونلوها وجود نداشت و اساساً شروانشاه هم در مقام تهدیدی برای مشروعیت و حکومت صفویان نبود اما سلطان یعقوب و آق قویونلوها رقیب خاندان صفوی در راه رسیدن به قدرت بودند و این دشمنی در زمان جانشینان حیدر نیز تداوم داشت؛ بنابراین

۱. «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً؛ نفس شما، کاری را در نظرتان بیاراسته است.» (یوسف، ۱۸).

۲. «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ؛ چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند» (یوسف، ۵۳).

۳. «فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى؛ پس جایگاه او همان آتش است.»

بیشترین تنش صفویان و به تبع تاریخ‌نگاری صفوی با آق‌قویونلوها است. همچنین رویه تخریب حکومت پیشین توسط حکومت جدید امری طبیعی در تاریخ بوده و این عامل را نیز باید بر عوامل پیشین افزود تا بتوان به درک چرایی بیشترین تعبیرات و تشبیهات قرآنی بر علیه دشمنان شیخ حیدر (از نظر تاریخ‌نگاری صفوی دشمن اصلی آق‌قویونلوها بودند) پی برد.

شبیه‌سازی مذهبی در روایت تاریخ‌نگاری صفوی

مورخان صفوی در وصف جنگ‌های شیخ جنید و شیخ حیدر سعی کرده‌اند به ایجاد یکسری شباهت‌ها بین رهبران طریقت و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) پردازند. تشبیه در تاریخ‌نگاری کاربردی مؤثر دارد زیرا این عنصر خیال عملکرد افراد را در جایگاهی مشابه با الگوهای مورد قبول حاکمیت و جامعه مورد مقایسه قرار می‌دهد و آن را به نفع قهرمانی که از او روایت می‌کند (معمولاً حاکمان مورد تمجید مورخ) مصادره می‌نماید. در واقع مورخ آشکارا و مستقیم قضاوت نموده و شبیه‌سازی مورد نظر خویش را به مخاطب القاء می‌کند.^۱

تشبیه شیخ جنید و حیدر به امام علی (ع) و امام حسین (ع) بیشترین کاربرد را در شبیه‌سازی شیوخ صفوی با ائمه معصومین (علیهم‌السلام) داشته است. برای مثال خواندمیر با تشبیه قتل جنید با شهادت امام حسین (ع) چنین می‌سراید:

زبیداد گردون ناسازگار گرفتار شد آن حسینی تبار
بشمشیر خونریز ارباب شین شهادت^۲ نصیب آمدش چون حسین

(خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۴۲۶)

ترکمان و امینی هروی نیز در وصف شجاعت جنید در میدان جنگ او را به سلطان دلدل سوار (امام علی (ع)) تشبیه نموده‌اند (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/۱۹؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۴۲). در خلدبرین نیز شجاعت شیخ جنید «به نیروی قدرت بازوی حیدری» تعبیر شده است (قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۱).

تاریخ‌نگاری صفوی در روایت جنگ‌های دوره شیخ حیدر مکرراً به تشبیه وی با پیشوایان شیعه پرداخته است. در همین راستا بیشترین شبیه‌سازی، تطبیق دادن شیخ حیدر

^۱ در تشبیه همه چیز ظاهری است و آن قدر روشن که دیگر ابهامی وجود ندارد - براهنی، ۱۳۸۰: ۱۱۶/۱.

^۲ شهادت

با امام علی (ع) می‌باشد که به نظر می‌رسد تشابه اسمی شیخ حیدر با لقب امام اول شیعیان بی‌تأثیر نبوده است. شیخ حیدر از چند جهت مختلف مانند شجاعت و قدرت بدنی به امام علی (ع) تشبیه شده و در این زمینه مورخان صفوی حتی راه افراط را پیموده‌اند. مورخان آن دوره با تعبیری چون «قوت سرپنجه حیدری»، «قوت بازوی حیدری» و «سلطان مرتضوی صفات» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/ ۲۷ و ۴۳۴) «سلطان صفدر» و «حیدر ثانی» (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۵۶) «آن مقتبس انوار شجاعت حیدر صفدر» (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۹) به بیان وجوه شباهت شیخ حیدر و امام علی (ع) پرداخته‌اند. همچنین مورخان آن دوره با آوردن تعبیری مانند «سمند دلدل رفتار» (روملو، ۱۳۸۴: ۲/ ۸۶۸؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۹) در پی ایجاد تشابه میان حیدر و امام علی (ع) از هر جهت حتی در تشبیه مرکب آن‌ها به یکدیگر هستند. مورخان صفوی برای نیروهای حیدر نیز از القابی چون «اصحاب اسلام»، «فرقه حیدری» و «عساکر حیدری» (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۵۲ و ۵۵) استفاده کرده و آن‌ها را به لشکریان امام علی (ع) تشبیه نموده‌اند. در یک مورد توسط خورشاه، شیخ حیدر به امام حسین (ع) تشبیه شده و در مورد وی چنین سروده:

حسینی گرفتار آل یزید ز روی جفا و ستم شد شهید (۱۳۷۹: ۴)
این مطلب در بیان کشته شدن حیدر آمده و شاید علت تشبیه در این مورد شباهتی است که میان نوع شهادت امام حسین (ع) و قتل حیدر (سر حیدر در نبرد از تن جدا شد) وجود دارد.

تاریخ‌نگاری صفوی سعی نموده قتل شیوخ این سلسله را با حدیث مشهور «و ما منا الا مقتول شهید»^۱ گره بزنند (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۴۲: خورشاه‌الحسینی، ۱۳۷۹: ۴؛ قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۳۹). مورخان صفوی در پی ایجاد شباهت و پیوند میان قتل شیوخ صفوی و شهادت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) سعی دارند مرگ شیخ جنید و حیدر را در ادامه و امتداد شهادت پیشوایان شیعه جلوه دهند. در همین راستا امینی هروی در مورد قتل شیخ حیدر می‌نویسد که فلک یک‌بار دیگر «نسبت به خاندان حیدر کرار این نوع کارزار از پرده خفا اظهار کرد» (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۵۸) همچنین خواندمیر و جناب‌دی نیز می‌نویسند حیدر به سان اجداد نامدار و امامت نژادش شهد شهادت چشیده است (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/ ۴۳۴؛ جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

^۱. «نیست از ما مگر کشته شده به شهادت رسیده» - شیخ صدوق، بی‌تا: ۵۸۵/ ۲.

به هر روی تاریخ‌نگاری صفوی به کرات و با اصرار، به ایجاد شباهت میان جنید و حیدر با ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هم در شیوه جنگیدن و هم در نوع کشته شدن آن‌ها پرداخته‌اند. اصولاً هدف از تشبیه برکشیدن و کمال بخشیدن مشبه است (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۷۳). تشبیه در پی القاء و تثبیت امری در ذهن مخاطب می‌باشد و با استفاده از آن قصد سمت‌وسو دادن به باورها و طرز تفکر مخاطب، هم سو با نظر و باور نویسنده می‌باشد. ایجاد شباهت میان شیوخ صفوی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به نوعی سبب تطهیر و تقدیس شیوخ صفوی در ذهن مخاطبین تاریخ‌نگاری صفوی شده است. مورخان صفوی در این زمینه از کوچک‌ترین وجوه شباهت برای نیل به اهداف خود استفاده برده‌اند و به نظر می‌رسد تا حدودی توانسته‌اند در ایجاد چهره‌ای قدسی از شیخ جنید و حیدر در جامعه آن روز موفق عمل نمایند.

اندیشه مشیت الهی در روایت جنگ‌ها

تقدیرگرایی و مشیت الهی اندیشه‌ای منبعث از تفکر دینی بوده که براساس آن امور خارج از حیطه اراده و قدرت انسان می‌باشد. در این تفکر تاریخ در کل «طرح از پیش مقدر شده پروردگار را آشکار می‌کند» (سائگیت، ۱۳۷۹: ۶۶). این اندیشه به صورت جدی در تاریخ‌نگاری اسلامی رسوخ نموده است. زرین‌کوب تاریخ تقدیرگرایانه را ویژگی تاریخ‌نگاری دینی می‌داند (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۱۹۸). تاریخ‌نگاری صفوی میراث‌دار تاریخ‌نگاری پیش از خود بوده و بشدت متأثر از اندیشه مشیت الهی می‌باشد. این تفکر در زمان ناکامی‌ها بیشتر مورد استفاده مورخین بوده است. جنگ‌های شیخ جنید و حیدر نخستین اقدامات شیوخ صفوی برای عبور از مرحله سجاده‌نشینی به مرحله اتخاذ شیوه‌های جنگی می‌باشد که با نخستین ناکامی‌های نظامی خاندان صفوی نیز همراه بود. مورخان صفوی برای توجیه شکست‌های شیوخ صفوی رویکردی تقدیرگرایانه داشته و سعی نموده‌اند این شکست‌ها را ناشی از مشیت الهی دانسته و به این شیوه آن‌ها را توجیه نمایند. خواندمیر علت شکست شیخ جنید در نبرد با شروانشاه را چنین توجیه نموده: «چون دمیدن صبح سلطنت خاندان صفوی و شکفتن غنچه مراد مصطفوی را هنوز مهلتی مقدور بود در آن معرکه صورت فتح و ظفر در نظر سلطان جنید جلوه نمود و صوفیان شکست یافته» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۴۲۶) این تعبیر و توجیه تقدیرگرایانه توسط روملو و واله قزوینی نیز تکرار شده (روملو، ۱۳۸۴: ۲/۶۰۴؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۱) و از

سوی اسکندربیگ ترکمان نیز برای قتل شیخ حیدر بیان شده است (ترکمان، ۱۳۸۲: ۸/۲۰). در همین راستا جناب‌دی توجیه جالب‌توجه‌تری دارد و علت شکست جنید را بدان دلیل می‌داند که چون قضا و قدر از ازل امر کشورگشایی و خلعت پادشاهی را برای شاه اسماعیل دوخته بود بنابراین قبل از وی هیچ‌کدام از خاندان صفوی توفیقی نیافته و شکست خوردند (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۹۵).

در تاریخ‌نگاری صفوی کشته شدن جنید نیز به مسئله قضا و مشیت الهی نسبت داده شده و با تعبیری چون «شهادت آن حضرت بر لوح قضا ثبت شده بود» (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۸/۱) و یا «تیری از شست بد اختری رهائی یافته» (روملو، ۱۳۸۴: ۶۰۴/۲) توصیف شده است. وحید قزوینی و استرآبادی اساساً تقابل شیخ جنید با نیروهای شروانشاه را ناشی از تقدیر دانسته‌اند (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۵). امینی هروی نیز از ابتدای رویارویی جنید و شروانشاه تا زمان قتل شیخ جنید را با نگاهی تقدیرگرایانه بررسی کرده است و درباره قتل وی می‌نویسد: «الفرار مما لا یطاق» یعنی گریختن از آنچه تاب‌وتوان بر آن نباشد (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۴۳) و با بیان این نکته، شکست و قتل جنید را ناشی از تقدیری غیرقابل‌گریز دانسته است.

توجیهات تقدیرگرایانه در مورد ناکامی شیوخ صفوی و نسبت دادن ناکامی‌ها به مشیت الهی در مورد شیخ حیدر نیز از سوی مورخان صفوی روایت شده است. تقریباً در همه منابع صفوی که راوی جنگ حیدر و شروانشاه بوده‌اند، داستانی مشابه از درگیری شیخ حیدر و سلیمان ترکمان با رویکردی تقدیرگرایانه روایت نموده‌اند که جهت جلوگیری از تکرار مطلب این جریان به نقل از خواندمیر روایت می‌شود:

«در آن معرکه هولناک بهنگام جولان شجاعان بیباک سلیمان ترکمان بآن‌شاه حیدر توان در مقام مبارزه درآمده بضررب سنان جان‌ستان از پشت زین بر روی زمین افتاد و آنحضرت از کمال لطف و مرحمت دست از قتل آن سرگشته بادیه ضلالت کشیده داشته او را بجان امان داد بعضی از غازیان که ملازم رکاب هدایت‌نشان بودند افغان باوج آسمان رسانیده از موجب آن عفو و اغماض پرسیدند آنحضرت جواب داد که هنوز روزنامه اجل او باختتام نرسیده اما منشور حیات من برقم ختم مرقوم گردید مرا درین معرکه شهد شهادت میباید چشید و او را چندگاه دیگر مقاسات دنیای بیوفا میباید کشید آنگاه کره بعد اخری آن سلطان کرامت انما بر صف اعدا حمله نمود و نهایت کشش و کوشش ظاهر ساخته بسرپنجه قهر اقداح زهر مذاق مرک بر شروانیان بیمود و چون نزدیک بآن رسید که شروانشاه و سلیمان ترکمان از معرکه ستیز عنان

یکران بوادی گریز منعطف گردانند از شست تقدیر تیر عمر فرسا گشاد یافته سبب انقطاع رشته حیات آن سلطان مرتضوی صفات گردید» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۳۴/۴). همچنین نک: امینی هروی، ۱۳۸۳: ۵۷؛ روملو، ۱۳۸۴: ۸۶۸ / ۲؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۱۰۱؛ ناشناس، ۱۳۸۴: ۲۸؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۰؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۸؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۰-۱۹؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۷).

برخی منابع گذشت حیدر نسبت به قتل سلیمان را با استفاده از آیه ۱۳۴ آل عمران «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»^۱ نشانه توانایی شیخ حیدر در فرو بردن خشم خود و همچنین نشانه عمل وی به دستورات کتاب الهی می‌دانند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۰۲). به هرووی به نظر می‌رسد هدف تاریخ‌نگاری صفوی از روایت مشترک این داستان دو عامل می‌باشد. اول؛ القاء این امر که حیدر دارای چنان جایگاه مذهبی بوده که توانایی پیش‌بینی آینده را داشته و تأکید بر آن. دوم؛ نقش مسئله مشیت الهی در قتل حیدر می‌باشد به گونه‌ای که حیدر به دلیل آگاهی از تقدیر خویش سعی ننموده با آن مقابله نماید و به نوعی قتل حیدر نه ناشی از ضعف وی بلکه صرفاً به دلیل امری ازلی و از پیش تعیین شده جلوه داده شده است. در همین راستا امینی هروی چنین می‌سراید:

از شست قضا اگر رسد تیر قدر دفعش نه زره کند نه جوشن نه سپر
(۱۳۸۳: ۵۸)

بنا بر روایات شیخ حیدر بر اثر اصابت تیری در میدان جنگ به قتل می‌رسد. روایت مورخان صفوی از تیری که منجر به مرگ حیدر شده بر اساس رویکردی تقدیرگرایانه بوده و به تیری که از کمان قضا و قدر خارج گردیده تعبیر شده است (قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۳۹؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۱۰؛ حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۷؛ قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۶).

مورخان صفوی نتوانسته‌اند با شکست و قتل شیخ جنید و حیدر به صورت منطقی برخورد نمایند و به علل حقیقی آن بپردازند بنابراین با رویکردی تقدیرگرایانه سعی نموده‌اند آن را امری از پیش مقدر شده به حساب آورند. اتخاذ چنین رویکردی از سوی تاریخ‌نگاری صفوی در راستای تلاش برای تفسیر مذهبی از اقدامات نظامی رهبران طریقت صفوی است.

۱. و از مردم درمی‌گذرند.

روایت مذهبی از مخالفان شیخ جنید و حیدر

پیش‌ازاین استفاده‌ی مستقیم از آیات قرآنی در روایت تاریخ‌نگاری صفوی، از مخالفان شیخ جنید و حیدر مورد بررسی قرار گرفت. در پاره‌ای از مواقع مورخان صفوی در به کار بردن تعبیرات مذهبی معمولاً به صورت غیرمستقیم از آیات قرآنی استفاده نموده‌اند یعنی بدون اشاره به آیه‌ای مشخص، صرفاً از اصطلاحات و تعبیرات قرآنی استفاده کرده‌اند. همچنین مورخان صفوی از احادیث برای نشان دادن ضدیت خود بر علیه دشمنان شیوخ صفوی نیز بهره برده‌اند که در این بخش در پی بررسی موارد ذکر شده هستیم.

مورخان صفوی در مورد دشمنان شیوخ از به کار بردن هر تشبیه و تعبیر منفی ابایی نداشته و سعی نموده‌اند چهره‌ای غیرمشروع، فتنه‌انگیز و یاغی از آن‌ها نشان دهند. خواندمیر در وصف دشمنان شیخ جنید از تعبیر «فئه باغیه» استفاده نموده (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/ ۴۲۵) این تعبیر اشاره‌ای به ماجرای کشته شدن عمار در جنگ صفین و پیش‌گویی در مورد قاتلان وی که پیامبر^(ص) از آن‌ها به فئه باغیه یاد کرده بود، دارد (طبری، ۱۳۷۵: ۶/ ۲۵۵۲). خواندمیر به نوعی در پی تشبیه مخالفان شیخ جنید به معاویه که از دیدگاه شیعیان گروهی ستمگر بوده‌اند، می‌باشد. وی همچنین در مورد دشمنان شیخ حیدر از واژگانی چون «شقاوت»، «ضلالت» و «وقاحت» استفاده نموده (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/ ۴۳۴) که دارای بار مذهبی است. شقاوت و ضلالت از مفاهیم قرآنی می‌باشد و در قرآن کریم بارها به آن‌ها اشاره شده است. شقاوت واژه‌ای است که در مقابل سعادت قرار می‌گیرد و به معنای تیره‌بختی می‌باشد و معمولاً در مورد افرادی که از دستورات خداوند سرپیچی کرده‌اند به کار رفته است. همچنین ضلالت به معنای گمراه شدن در مقابل هدایت قرار می‌گیرد. با این اوصاف از نظر خواندمیر دشمنان حیدر گروهی تیره‌بخت و گمراه بوده‌اند و بر اثر چنین ویژگی‌هایی بوده که در مقابل خاندان صفوی قرار گرفته‌اند. موارد یاد شده گرچه اشاره‌ای مستقیم به آیات قرآنی در آن‌ها وجود ندارد اما مفاهیم و معانی آن‌ها نشان از رویکرد خاص مذهبی وی برای انتخاب این واژگان می‌باشد. تعبیرات شقاوت و ضلالت برای مخالفان شیخ حیدر توسط ترکمان نیز تکرار شده (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۰) که به نظر می‌رسد وی برای انتخاب این اصطلاحات از خواندمیر تبعیت نموده است.

امینی هروی سعی نموده دشمنان شیخ حیدر را گروهی جاهل معرفی نماید و دشمنی آن‌ها را از روی جهالت می‌داند (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۵۴ و ۵۱). به نظر می‌رسد منظور

هروی از جهل مخالفان شیخ حیدر، جهل آنان نسبت به مقام مذهبی حیدر می‌باشد که طبیعتاً این جهل نیز ناشی از عدم شناخت و جهالت آن‌ها در امور دینی و مذهبی می‌باشد. کما اینکه در جایی دیگر مخالفان حیدر را افرادی دور از قاعده اسلام و ایمان می‌داند (همان: ۵۳). به همین روی مشخص می‌شود که منظور وی از تعبیر جهالت برای مخالفان حیدر همان جهل آن‌ها نسبت به اسلام و به تبع رهبران اسلامی (به‌زعم وی شیخ حیدر) است.

یکی دیگر از تعبیراتی که دارای رنگ و لعاب مذهبی بوده و در مورد مخالفان شیوخ صفوی به‌کاررفته «اهل شر» و «اشرار» است (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۷؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۸). همچنین حسینی قمی دشمنان حیدر را «حزب شیطان» می‌داند (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۹). در راستای به‌کارگیری تعابیر منفی در مورد مخالفان شیوخ صفوی، وحیدقزوینی و استرآبادی از تعابیری که بیشتر مفاهیم پیمان‌شکنی و نفاق دارند مانند: «غدار»، «کید و نفاق» و «فرقه نابکار» استفاده کرده‌اند (وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۲۵؛ حسینی - استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۷). موارد ذکر شده می‌توانند اشاره‌ای به صفات شیطان و کافران در قرآن کریم باشند. به عنوان نمونه «کید» در قرآن کریم به‌گونه‌ای آمده که اگر توسط خداوند به کار گرفته شود تدبیر بوده اما اگر توسط انسان به کار بسته شود، حيله‌ای ناپسند می‌باشد و از آن به‌عنوان صفتی برای کافرین و شیطان استفاده شده است (برای نمونه ن. ک؛ سوره انفال آیه ۱۸: نساء ۷۶). در نهایت آنکه جایگاه نهایی دشمنان و مخالفان شیوخ صفوی توسط مورخان صفوی جهنم ترسیم شده است (روملو، ۱۳۸۴: ۶۰۳/۲؛ ناشناس، ۱۳۸۴: ۲۹).

نتیجه

تاریخ‌نگاری صفوی متأثر از فضای کلی جامعه عصر صفوی و تحت تأثیر سیاست حاکمان این سلسله، دارای رویکردی مذهبی بوده و این رویه در بیان عملکرد رهبران طریقت صفوی (پیش از تشکیل حکومت) به نسبت شاهان صفوی بیشتر جلوه داشته است. در همین راستا مورخان صفوی، اقدامات نظامی شیخ جنید و حیدر را با بیشترین تعابیر مذهبی روایت نموده و سعی داشته‌اند، اقدامات آن‌ها را بدون کم‌وکاست ناشی از اراده خداوند و به پیروی از دستورات الهی جلوه دهند. در این شیوه هیچ‌گونه خطایی متوجه رهبران طریقت صفوی نبوده و هر آنچه رخ داده اعم از شکست و پیروزی در نتیجه‌ی

اراده الهی و اتخاذ رویکردی صحیح توسط شیخ جنید و حیدر بوده است. چنین تأیید بی‌چون و چرایی در مورد عملکرد شاهان صفوی توسط مورخان آن دوره مشاهده نمی‌شود و در پاره‌ای از موارد تاریخ‌نگاری صفوی حتی به نقد اقدامات برخی از شاهان صفوی نیز اقدام کرده است. به‌هرروی به نظر می‌رسد به سبب اهمیت اقدامات نظامی شیخ جنید و حیدر در تشکیل سلسله صفوی، مورخان آن دوره سعی کرده‌اند با اتخاذ شیوه‌ی روایت مقدس در مورد آن جنگ‌ها، به قدرت رسیدن خاندان صفوی را ناشی از تائیدات الهی و عملکرد مقدس رهبران این طریقت جلوه دهند؛ بنابراین تاریخ‌نگاری صفوی جهت اثبات مقدس بودن حکومت صفوی نیازمند ارائه تحلیل‌هایی با رویکرد تقدس‌گرایی از آغاز شروع به کار رهبران این طریقت (در زمان شیخ صفی‌الدین) تا روی کار آمدن شاه اسماعیل بودند و در این میان هر اقدامی از سوی این رهبران جنبه تقدس می‌گیرد.

در روایت مذهبی از جنگ‌های شیوخ صفوی، با استفاده از آیات قرآن به این جنگ‌ها جنبه جهادی بخشیده و نبرد با شروانشاهان مسلمان، اقدامی در راستای جهاد علیه کفار جلوه داده شده است. مورخان صفوی با استفاده از آیات قرآنی به شبیه‌سازی دست‌زده و دشمنان رهبران طریقت را مصداق «شر» دانسته‌اند و به دشمنان خداوند و راه حق که در قرآن از آن‌ها یادشده، تشبیه شده‌اند و در مقابل شیوخ صفوی و متابعان آن‌ها در جبهه خیر قرار گرفته‌اند. همچنین تاریخ‌نگاری صفوی با استفاده از نقل احادیث سعی کرده‌اند، شیوخ صفوی را ادامه‌دهنده راه اجداد خویش یعنی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) معرفی کنند. علاوه بر این یکی دیگر از مشخصه‌های روایت تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیوخ، نسبت دادن امور به مشیت الهی است. این رویکرد بیشتر در زمان روایت ناکامی-های طریقت، کاربرد داشته است.

به‌هرروی به نظر می‌رسد مورخان دوره صفوی نهایت تلاش خویش را در استفاده از همه جنبه‌ها و تعبیرات مذهبی، در روایت جنگ‌های شیخ جنید و شیخ حیدر به کار بسته‌اند و در این راه سعی کرده‌اند از هر حادثه‌ای در جهت به کار بستن تعبیرات مذهبی در مورد آن بهره ببرند.

فهرست منابع و مآخذ:

- قرآن کریم.

- امینی هروی، ابراهیم بن میرک جلال‌الدین (۱۳۸۳). فتوحات شاهی، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- براهنی، رضا (۱۳۸۰). طلا در مس، ج ۱، تهران: زریاب.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی، مصحح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل مناسبات سیاسی - نظامی شیوخ صفوی با شروانشاهان (۹۰۰-۸۶۴ هـ ق / ۱۴۹۵-۱۴۶۰ م)»، پژوهش‌های تاریخی، سال ۴۹، ش ۱ (پیاپی ۱۷).
- جنابدی، میرزابیگ بن حسن (۱۳۷۸). روضه‌الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حسینی استرآبادی؛ سیدحسین بن مرتضی (۱۳۶۶). از شیخ صفی تا شاه صفی، بکوشش احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی.
- حسینی قمی، قاضی احمد بن حسین (۱۳۸۳). خلاصه‌التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر، ج ۴، تهران: خیام.
- خورشاه‌الحسینی، ابن قباد (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام‌شاه، تصحیح محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). احسن‌التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران: اساطیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵). تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر.
- سائگیت، بورلی (۱۳۷۹). تاریخ چیست و چرا، ترجمه رویا منجم، تهران: نگاه سبز.
- سیوری، راجر (۱۳۹۴). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱). قصص‌الخاقانی، به تصحیح و پاورقی حسن سادات ناصری، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شیخ صدوق (بی‌تا). من لایحضره‌القیه، جلد ۲، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴). «جنگ، انواع، انگیزه‌ها و جنگ تحمیلی»، رواق اندیشه، ش ۴۶.
- صادق‌ان، محمدعلی (۱۳۷۱). طراز سخن در معانی و بیان، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۶، تهران: اساطیر.

| تحلیلی بر رویکرد مذهبی تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های... | ۱۲۱

- عباسی، مجید و مرادی، حسین (۱۳۹۴). «جنگ سایبر از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، مجلس و راهبرد، سال ۲۲، ش ۸۱.
- قزوینی، یحیی بن عبدالطیف (۱۳۱۴). *لب التواریخ*، مصحح سید جلال‌الدین طهرانی، تهران: موسسه خاور.
- قزوینی اصفهانی، محمد یوسف واله (۱۳۷۲). *خلدبرین*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مسائلی، محمود و ارفعی، عالیه (۱۳۷۱). *جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل*، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- مستوفی، محمد محسن (۱۳۷۵). *زبده التواریخ*، تصحیح بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ملاکمال (۱۳۳۴). *تاریخ ملاکمال*، با تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: بی‌نا.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸). *جواهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- ناشناس (۱۳۸۴). *عالم‌آرای شاه اسماعیل*، با مقدمه و تصحیح و تعلیق اصغر منتظر صاحب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- وحیدقزوینی، میرزا محمدطاهر (۱۳۸۳). *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، مقدمه و تصحیح سید سعید میرمحمدصادق زیر نظر احسان اشراقی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

THE HISTORICAL STUDY OF WAR
Scientific Journal, Scientific Research Article
Vol. 4, Issue 3, No.13, Autumn 2020

An Analysis of the Religious Approach of Safavid Historiography to the Wars of Safavid Sheikhs: A Sacred Narrative of Sacred Wars

Mahmoud Mehmannaavaz, Ali Etesami***

Abstract

By surpassing the stage of prostration and guidance, the Safavid *tariqa* at the time of Sheikh Junayd (died in 864 AH) and Sheikh Haydar (died in 893 AH) adopted a military strategy to achieve their political goals. They were able to attach power and influence in worldly affairs to the spiritual power of the leaders of the Safavid *tariqa* and create a cohesive military organization that aided Shah Ismail-I (930-907 AH) in establishing the Safavid dynasty. Relying on collecting information from historical sources, the present descriptive-analytical study seeks to answer that question that how the wars fought in Sheikh Junayd and Sheikh Haydar's era have been reflected in the historiography of the Safavid period. It seems that Safavid historiography has tried to give a sacred aspect to these wars using a sacred narrative. The findings show that defeats and victories in the wars of this period have assumed an epic burden, but this epic writing practice has a religious rather than a national atmosphere. In fact, Safavid historiography has presented a sacred narrative of sacred wars in which every event (whether victory or defeat) has been evaluated within a context of sanctity. Against this backdrop, in describing and narrating these wars, Safavid historians have used Qur'anic and Hadith-based expressions besides drawing similarities between the leaders of Safavid *tariqa* and the Imams (AS).

Keywords: Safavid historiography, religious narrative, Sheikh Junayd, Sheikh Haydar, sacred war.

* Corresponding Author: PhD in History of Islamic Iran, Assistant Professor, Department of History, Yasuj University.

Email: mahmoud.mehmannavaz@yahoo.com

** MA in History of Islam; Email: alietsami@yahoo.com

[Received: June 10, 2020; Accepted: September 7, 2020]